

عضو هیئت امنای کتابخانه ملی بودند. من برای تغییرشان، دو پیشنهاد خدمت ایشان داده بودم. اما رئیس جمهور به من گفت این دو نفر بمانند و مانند. شما بروید از تندترین منتقدهای جریان رقیب هم پرسید، معتقدند آقای رئیسی آدم باانصاف، گشوده، فروتن و نقدپذیری است. این راهمه قبول دارند و این‌ها ویژگی‌های موردانتظار انقلاب اسلامی است. ذهنیتی که دیگران از گفتمان فرهنگی انقلاب ساخته‌اند، گفتمان متصلبی است که به گفت‌وگو قائل نیست؛ این تصویر غلطی است. گفتمان فرهنگی انقلاب و گفتمانی که این دولت به آن منتسب است، در عین پایبندی به احکام دین و سنت‌های جامعه به آزاداندیشی و به تحمل مخالف معتقد است؛ مثلاً حداکثر کاری که در این دولت در مقابل منتقدان انجام دادیم، این بود که ما متقابلاً جوابشان را داده‌ایم. آیا رسانه‌ای بسته شده؟ آیا با رسانه‌ای برخورد حذفی شده؟ ما اصلاً چنین مسائلی را نداریم؛ نه صرفاً چون در این جایگاه هستیم، بلکه اساساً به این قبیل برخوردهای نادرست اعتقادی نداریم و تا امروز از یک رسانه هم شکایت نکرده‌ایم؛ درحالی‌که همه‌ها و فشارهای زیادی بوده است.

گفتمانی که آقای رئیسی نمایندگی می‌کند گفتمان اصیل انقلاب اسلامی است. من جریان نواندیشی دینی را در مقابل جریان روشن‌فکری دینی می‌دانم. جریان روشن‌فکری دینی در ادبیات صدساله اخیر حوزه فکری ما عمدتاً در اختلاف و دعوی میان سنت و تجدد به طرف تجدد رفته و سنت را به نفع تجدد بازتعریف کرده است؛ ولی جریان نواندیشی دینی روی نو کردن استنباط تعامل شیوه‌های حکمرانی فکر کرده است، ولی اصالت را در حفظ باورها و سنت‌های دینی می‌داند که امام خمینی (ره)، شهید محمدباقر صدر، شهید مطهری، شهید بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای نمونه‌های این رویکرد هستند. آقای رئیسی هم از نظر من دنباله‌رو و در ادامه همین مکتب فکری تلقی می‌شود. مرحوم آیت‌الله هاشمی شاهرودی که سمت استادی فقهی بر آقای رئیسی دارد هم در این حوزه قرار می‌گیرد. این یک نحله فکری است. در سال ۱۳۹۹ در مقاله‌ای این را تحلیل کردم و گفتم آقای رئیسی در مدل حکمرانی قضائی ثمره و پیرو مکتب شهید بهشتی و مرحوم هاشمی شاهرودی است که ایشان هم نحله شهید محمدباقر صدر است. حوزه تعاملی و ارتباطی‌اش با مردم به شدت مایه امید شده است. رئیس قوه قضائیه‌ای که می‌آید با مردم می‌نشیند و با جامعه‌شناس‌ها جلسه می‌گذارد. من شاید سی جلسه را برای آقای رئیسی با گروه‌های مختلف فکری، سیاسی و اجتماعی ترتیب دادم؛ با کارگردان‌ها می‌نشست، با هنرمندان می‌نشست. شما نگاه کنید به رغم همه این گرفتاری‌ها که دارد خودش با گروه‌های مختلف می‌نشیند و صحبت می‌کند. پرکار و کم‌معمونه و کم‌هزینه است. همیشه در این سفرهای استانی دلخوری‌اش با اطرافیان دفتر این است که نکند مثلاً نفری اضافی بیاید که به همین اندازه هزینه بار بشود. در واقع به چیزهایی دقت می‌کند که به صورت عادی امروز در نظام حکمرانی کشور کسی به آن توجه نمی‌کند.

تعبیر شما این بود که آیت‌الله رئیسی گفتمان روشنی دارند؛ از قضایایی از مناقشات و تردیدهایی که شاید از ابتدای تشکیل دولت تکرار شده پرسش درباره چیستی گفتمان دولت سیزدهم بوده است. اما ادعای شما این است که گفتمان دولت گفتمان روشنی است. چه تفسیری از این مناقشه دارید و چگونه به این مناقشه پاسخ می‌دهید؟

در صورت بندی دولت‌های قبل، مثلاً در انتخابات سال ۱۳۷۶ دولتی شکل گرفت که در ابتدا این طور نشان داد که با یک گفتمان و مرزبندی روشنی با گذشته بر سر کار آمده است. اما تمام نیروهای اقتصادی، فرهنگی